



ایتالو کالوینو

# کمدی کیهانی

ترجمه‌ی میلاد زکریا

- جهان‌نور -

miktoona.com

میراث‌نامه: کالوینو، ایتالیا، ۱۹۸۵، ۱۳۳۲ م

Calvinio, Italia

عنوان و نام پدیدآور: کیهان‌شناسی کیهان‌شناسی کالوینو، ترجمه میلا درگری

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۱۳۵ ص

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۸۰-۰-۰۰۰۰۰۰۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی: آری

یادداشت: عنوان اصلی: Cosmologia

یادداشت: عنوان اصلی: "The complete cosmic crisis"

په‌په‌سی ترجمه شده است.

یادداشت: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت به چاپ

رسیده است.

موضوع: داستان‌های کوتاه ایتالیایی-- قرن ۲۰ م

موضوع: Short stories, Italian -- 20th century

موضوع: داستان‌های علمی ایتالیایی

موضوع: Science fiction, Italian

شناسه‌ی افزوده: زکریا، میلاد، ۱۳۵۶، مترجم

ردیف‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ / ۴۲۶۲ / ۴۲۲

ردیف‌بندی دیوبند: ۸۵۲/۹۱۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: 07E1A1F

روندهای نشر چشمه: ادبیات - داستان غیرفارسی - رمان انگلیسی

گمدهای کیهانی  
ایتالو کالوتو  
ترجمه میلاذ زکریا

ویراستار: نیما سرناک

مدیر هنری: مجید عباسی

همکاران آماده‌سازی: نیما زندی، زهرا بلزبان

ناظران تولید: میثم باقری، ساراگ مزید

چاپ و صحافی: افرا

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸، تهران

چاپ دوم: تابستان ۱۳۹۸، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه کتبیاس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت مجوز کتبی است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۸۸-۸

- دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه چهارم، پلاک ۲، تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ - کتابفروشی نشر چشمه: گرم‌خانی، تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره ۱۰۷، تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ - کتابفروشی نشر چشمه: کوروش، تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوروش، طبقه پنجم، واحد ۲، تلفن: ۲۲۹۷۱۹۸۸ - کتابفروشی نشر چشمه: آرن، تهران، شهرک خفس (غرب)، بلوار فرحزادی، توسعه ۱، بزرگراه نیاپیش، خیابان حافظس، نیش خیابان فخار مقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه ۲، تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ - کتابفروشی نشر چشمه: بابل، بابل، خیابان سرچشمه، آبروی شیرین، سرای بابل، تلفن: ۳۲۴۷۶۵۷۱ (۰۱۱) - کتابفروشی نشر چشمه: کارگر شمالی، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه چهارم، پلاک ۲، تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ - کتابفروشی نشر چشمه: پرست، تهران، خیابان پاسداران، نیش گلستان یکم، مجتمع پرست، طبقه سوم، تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸ - کتابفروشی نشر چشمه: دانشدگان، مشهد، بلوار وکیل آباد، بین خیابان آناه‌آباد ۱۸ و ۲۰ (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶، تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱) - کتابفروشی نشر چشمه: آقاب، آراک، خیابان شهید بهشتی، سواره‌رانه، خیابان شکویی، پلاک ۶۷۸۲، تلفن: ۰۸۶۴۴۲۳۶۶۰۸

www.cheshme.ir

cheshmepublication

cheshmepublication

بخش کتاب چشمه: تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲

## فهرست

۷	به جای مقدمه
۱۳	فاصله‌ی ماه
۲۸	در سپیددم
۳۹	علامتی در فضا
۴۹	همه در یک نقطه
۵۲	بدون رنگ
۶۵	بازی‌های بی‌پایان
۷۲	دایی آبری
۸۵	چقدر شرط می‌بندی؟
۹۵	دایناسورها
۱۱۳	شکل فضا
۱۲۳	سال‌های نوری
۱۳۶	ماریج

## به جای مقدمه

ایتالو کالوینو هنگامی که در چهل سالگی نوشتن داستان‌های کمدی‌های کیهانی را آغاز کرد یک دهه از فراگیر شدن شهرتش در ایتالیا می‌گذشت، شهرتی که هم‌زمان بود با انتشار ویکنت دو نیم‌شده، اولین کتاب از رمان‌های خیالی‌اش که بعدها سه‌گانه‌ی نیاکان ما نامیده شدند. آغازگر شهرت بین‌المللی او نیز چاپ ترجمه‌ی انگلیسی بارون درخت‌نشین، دومین کتاب از همین سه‌گانه، بود که در سال ۱۹۵۹ منتشر شد. ترجمه‌ی انگلیسی کمدی‌های کیهانی یک سال پس از انتشار، به عنوان بهترین کتاب ترجمه‌شده‌ی سال، برنده‌ی جایزه‌ی ملی کتاب امریکا شد.<sup>۱</sup>

چاپ اول کمدی‌های کیهانی در نوامبر ۱۹۶۵ توسط انتشارات ایناتودی تورین منتشر شد. در زمان انتشار کتاب، کالوینو مصاحبه‌ی زیر را انجام داد که از آن پس با تغییراتی اندک در روزنامه‌های گوناگونی چاپ شد.

در نسخه‌ای که این جا آمده، مهم‌ترین سؤال و جواب‌های آن مصاحبه انتخاب شده، پاسخ سؤال سوم توضیحی است که تحت عنوان «کالوینو دنیایش را توضیح می‌دهد»، در مصاحبه با آلفردو جاززینی در روزنامه‌ی ایل جورنو، شماره‌ی ۲۲، دسامبر ۱۹۶۵، ارائه کرده.

۱. ادامه‌ی توضیحات و مصاحبه از نسخه‌ی ایتالیایی ویرایش موندادوری، گرفته شده و ترجمه‌ی آن را ماتیو کماک، دوستان عزیزم، فرزانة پهراسی و مائوش لیداس حسینی، م.

ممکن است اول درباره‌ی عنوان کمدی‌های کیهانی توضیح دهید؟

من با ترکیب دو صفت «کیهانی» و «کمدی» سعی کرده‌ام مفاهیم متفاوتی را که برایم اهمیت دارند کنار هم قرار دهم. مرادم از کلمه‌ی «کیهانی» بیش از آن که جنبه‌ی «فضایی» آن باشد، تلاشی برای ارتباط با مفهومی کهن‌تر است. انسان‌های نخستین خیلی راحت با مفهوم کیهانی بودن ارتباط برقرار می‌کردند؛ برعکس، ما برای درک مفاهیم بسیار عظیم به یک صافی و غربال نیاز مندیم، و کارکرد کمدی در این جا همین است.

پس کلمه‌ی «کمدی» را هم باید در معنای تعریف آن در تقسیم‌بندی کلاسیک فهمید؟

فکر نمی‌کنم. من خیلی ساده به «کمدی» سینمای صامت فکر می‌کردم؛ و همین‌طور کمیک یا داستان مصور که در آن یک قهرمان سمبلیک هر بار در موقعیت‌های متفاوتی قرار می‌گیرد که طرح مشترکی دارند: مثال‌هایی به ذهنم می‌رسد که شاید از لحاظ سبک‌گرایی و دقت فرمی معادل نباشند.<sup>۱</sup> می‌توانم اضافه‌کنم که خوش‌وقت‌م که هم‌زمان با کتاب مجموعه کمیک‌های بی‌سی<sup>۲</sup> به قلم جان هارک در ایتالیا منتشر شده. ناراحت نمی‌شوم که خوانندگان یک کتاب، دیگری را بخوانند یا این دو را با هم مقایسه کنند.

ایده‌ی اولین داستان‌های مجموعه‌ی کمدی‌های کیهانی کی به ذهن‌تان رسید؟

نوشتن‌شان دو سالی طول کشید. این طوری شروع شد: عادت کرده بودم تصاویری را که مثلاً موقع خواندن کتابی در زمینه‌ی کیهان‌زایی به ذهنم می‌رسد حفظ کنم؛ یعنی از جایی شروع کنم که با ساز و کار تخیلاتی که برایم آشنا تر است فاصله داشته باشد. کافی بود به تعداد کافی از این تصاویر جمع کنم تا تعدادی شروع، و دلایلی برای حرکت در اختیار داشته باشم. بعد فقط لازم بود آن‌ها را بی‌روانم.

۱. «کمدی‌های کیهانی» در پشت‌خود لئوپاردی، کمیک‌های پهای امیلون (زبل)، ساموئل بکت، جوردانو برونو، لوپس گورول، نقاشی‌های سقا و در مواردی لئولونی، اماتول کاندو، بورگس و برش‌هایی از گولوبل را دارد. «الینا کالونو»، «کمدی‌های کیهانی» (پل کافه XII، ش ۲، نوامبر ۱۹۶۴، ص ۲۰)

سخت می شود زمان دقیق نگارش یک داستان را تعیین کرد. می شود لحظه‌ی نهایی شدن شروع را گرفت، که ممکن است خیلی پیش از تکمیل باقی‌اش باشد. ممکن است بعد از تمام کردن داستان به نظرم برسد که تمام نشده یا داستانی که باید می نوشتم چیز دیگری بوده، و دوباره بنویسمش یا با ذهنیتی متفاوت شروع به نوشتن داستانی کنم و بعد وسط کار اصلاحش کنم، تصحیحی کوچک که ظاهراً تغییر چندانی در آن نمی‌دهد، اما در واقع داستان جدیدی از آن می‌سازد. برای نمونه، یکی از اولین داستان‌هایی که برای این مجموعه نوشتم، علامتی در فضا، از سال قبل که در مجله‌ی ایل کافه منتشر شد تا زمان انتشار در کتاب حاضر همچنان رویش کار کردم. تازه این داستانی بود که از همان اول بیش از همه از آن راضی بودم. بارها خوانشتم از همان چیزی که نوشته‌ام تقلید کنم و داستان‌های دیگری شبیه آن بنویسم، اما سخت بود.

معمولاً تصور بر این است که برای یک نویسنده، تقلید از خود و تکرار خود ساده‌ترین کار و نشانه‌ی تبهلی است. در واقع کاملاً برعکس است. تکرار از خود بهترین روش برای نویسنده است تا بتواند کاری را که کرده درک کند، و تنها راه ممکن برای این کار هم تقریب و حذف‌های متوالی است. و درک درست این که چه کار کرده بهترین راه برای درک این است که چه کار می‌خواهد بکند. در نهایت من توانستم فقط یک داستان بنویسم که از نظر خودم از علامتی در فضا یک قدم جلوتر است، و آن مارپیچ است، داستانی که از زبان نرم‌تری روایت می‌شود که در حال ساختن صدفش است. آن را بارها بازنویسی کردم و دست‌آخر هم واقعاً تمام نشد. من این را مقصدی می‌بینم که در کمندی‌های کیهانی سعی داشتم به آن برسم، ولی در عین حال نقطه‌ی شروع هم هست، چون از همین جاست که باید کار را از سر گرفته.

می‌گویند کمندی‌های کیهانی شکل جدیدی از ادبیات علمی-تخیلی است. درست است؟ نه، به نظرم داستان‌های علمی-تخیلی ساختاری کاملاً متفاوت با داستان‌های من

دارند. آن طور که منتقدان متعددی اشاره کرده‌اند، داستان‌های علمی - تخیلی به آینده می‌پردازند، در حالی که قصه‌های من برعکس همه با «افسانه‌ی نخستین» سروکار دارند. اما مسئله‌ی اصلی این است: مسئله ارتباط متفاوت اطلاعات علمی و خیال‌پردازی است. [...] خلاصه این‌که من می‌خواستم از اطلاعات علمی به عنوان یک چاشنی انفجاری برای فاصله گرفتن از تخیلات معمول و بازنمایی تجربیات روزمره به شکلی تازه استفاده کنم؛ ادبیات علمی - تخیلی به نظر من معمولاً تلاش می‌کند دوردست‌ها و آنچه را تخیلش مشکل است به ما نزدیک کند، و سعی می‌کند ابعاد واقع‌گرایانه به آن بدهد یا به هر حال در افق از تخیل قرارش دهد که جزء حالات معمول و قابل پذیرش قرار گیرد. نمی‌دانم؛ شاید دارم اشتباه می‌کنم. لازم است دقیق‌تر بگویم: اسم نویسنده یا عنوان یک کتاب علمی - تخیلی را بگویید که بشود مقایسه کرد چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی دارند.

آن چه مسلم است در این داستان‌ها از نجوم، کیهان‌شناسی، فیزیک سیپت و نظریه‌ی تکامل الهام گرفته‌اید. این علائق علمی از کجا ریشه می‌گیرند؟

تا جایی که به قصه‌ها مربوط می‌شود، همان‌طور که گفتم، این حقایق علمی مادی منفجره‌ای هستند که فکر می‌کنم قادرند هنگام خواندن، ذهن را از داستان مرئی و داستانی یا مختصات انسانی به بیرون برتاب کنند. در تجربیات من این‌ها تا به حال فقط در بعضی جهات مشخص بیش رفته‌اند که مربوط است به مطالعاتی که به هر دلیل در آن دوره داشته‌ام. به نظرم یا متون - چه می‌دانم - فیزیک کوانتومی یا ژنتیک یا هندسه‌ی ناقلیسی هم می‌شد به همین روش نتیجه گرفت. خلاصه با هر متن نظری بالاخره می‌شود این کار را کرد، چه ریاضی باشد چه فلسفی، اما در این رابطه باید بگویم که دوست ندارم مواد مطالعاتی‌ام را برای «الهام گرفتن» انتخاب کنم. نه، من برای رفع کنجکاوی‌ام می‌خوانم، پراکنده - مثل همه‌ی کسانی که در یک حوزه‌ی مطالعاتی تخصصی کار نمی‌کنند، و فکر می‌کنم همین‌طور مثل مطالعات غیرتخصصی متخصصان - اغلب از یک شاخه به شاخه‌ی دیگر می‌پریم؛ اما تا وقتی



علاقه‌ام به مثلاً نجوم پابر جاست، کتاب‌هایی را جمع به نجوم می‌خوانم؛ چون نجوم برایم جالب است، نه برای این که قصد دارم در داستانی که می‌نویسم از آن استفاده کنم. داستان‌ها خودبه‌خود و مطابق با یک جست‌وجوی درونی شکل می‌گیرند که می‌تواند با این علایق بیرونی هم‌زمان شود.

از صحبت‌های شما نتیجه می‌گیرم که چندان تفاوتی میان این دوره‌ی کاری خود و دوره‌های گذشته نمی‌بینید. به نظر شما ارتباط کمدی‌های کیهانی با کتاب‌های دیگر تان چیست؟ فکر می‌کنم این داستان‌ها همان مسیر رمان‌های خیالی‌ام را ادامه می‌دهند، اما نه فقط همین. این جا همچنین متوجه شده‌ام که داستان‌هایی را دوست دارم که در آن‌ها عدم در مقابل وجود، خلأ یا رقت در برابر پُری و غلظت، و معکوس در مقابل مستقیم قرار می‌گیرد. در رمان‌های خیالی‌ام هرگز این تجربه را نداشته‌ام، حتی در شوالیه‌ی ناموجود که این مسئله بیش از بقیه در آن نمود دارد؛ اما از این دیدگاه مجرد، هندسی و غلظت‌سنجانه، می‌شود این‌ها را ادامه‌ی اولین داستان‌هایی جنگی من هم به شمار آورد که بیست سال پیش به نظر می‌رسید پرچم‌دار تئورنالسم هستند، که شاخص‌ترین‌شان کلاغ آخر همه می‌رسد است؛ و همین‌طور از داستان‌هایی که ده سال پیش نوشتم، مثلاً از ماجرای یک عینکی، می‌شود چنین خوانشی داشت. خلاصه همیشه این‌طوری است که هر چه بیش‌تر تغییرش می‌دهم، بیش‌تر همان است که بوده؛ و این مسئله، به‌خصوص وقتی بعداً به آن پی می‌بری، بسیار رضایت‌بخش است.